

آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۶۰ تیر ۱۴۰۰

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

جنبش کارگری در ایران اوج می گیرد



مدت ها است که رژیم جمهوری اسلامی با جنبش بزرگ و رو به گسترش کارگران و زحمتکشان روبرو شده است که دیگر قادر نیست با استفاده از باور های مذهبی ساده دلان و انحراف آنان از درک حقایق

همراه با ایجاد تفرقه و تهدید آنان، به روش ها و تاکتیک های پیشین خود ادامه دهد و همراه با سکوت و بی تفاوتی در این شرایط به خواسته های بحق جنبش جواب دهد.

ادامه در ص ۲

با هجوم طالبان، نگرانی ها در آسیای مرکزی افزایش می یابد



یک سال و چندی پیش، از همان لحظه ای که آمریکا با طالبان به توافق رسید و تعهد کرد که نیروهای خود را از افغانستان خارج کند،

صاحب نظران کشورهای مختلف در مورد حوادث احتمالی آینده پیش بینی های گوناگونی ارائه دادند. اکثریت این تحلیل گران به این نتیجه رسیدند که جنگ جوان طالبان فشار بر حکومت کابل را آنقدر افزایش خواهند داد که کابل به نوعی حکومت ائتلافی با شرکت طالبان موافقت کند.

اما معلوم شد که واقعیات بسیار خشن تر از آن است. خط دفاعی رژیم حاکم مدتها قبل از خروج کامل نیروهای خارجی شروع به فروپاشی کرد. یعنی حکومت دست نشانده بدون کمک حامیان خارجی قدرت حفظ مواضع خود را ندارد. معلوم شد که در بررسی توان جنگی ساختار نیروهای مسلح افغانستان اغراق شده است.

ارتش افغانستان به طور رسمی دارای ۲۰۰ هزار نظامی است، به علاوه ۱۴۵ هزار نیروی پلیس و مرزداران و حدود ۲۰ هزار نیروهای ویژه دستگاه امنیت ملی افغانستان. این تعداد ۵ بار بیشتر از تعداد نیروهای طالبان است.

ادامه در ص ۷

مصلحت حکومت ولایت فقیه در سرکوب «کف خیابان» است



در روزهایی که رژیم جمهوری اسلامی تدارکات برگزاری نمایش انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ را انجام می داد، در روز ۲۳ خردادماه حیدر مصلحتی وزیر سابق اطلاعات نیز روی صحنه آمد. حیدر

مصلحتی طی مصاحبه ای گفت که در انتخابات سال ۱۳۹۲ ارزیابی وزارت اطلاعات از «کف خیابان»، یعنی افکار عمومی، حاکی از آن بود که اگر هاشمی رفسنجانی تایید صلاحیت می شد، اکثریت آرای رای دهندگان را کسب می کرد.

ادامه در ص ۴

رشد ۲۰۰ درصدی نقدینگی در سال ۹۹



رشد ۲۰۰ درصدی نقدینگی در پایان سال ۹۸ بستر مناسبی را برای تورم افسار گسیخته فراهم کرد. تورمی که تاکنون در اقتصاد ایران حتی در سیامترین ادوار آن بی سابقه بوده است.

از مهمترین شاخص های برآورد اقتصادی یک کشور میزان رشد تورم و بیکاری است. رشد سرسام آور تورم با کسری بودجه و میزان نقدینگی، ارتباط مستقیم دارد. دولت روحانی برای جبران کسری بودجه خود اقدام به چاپ اسکناس بدون پشتوانه کرده است. افزایش قیمت ها، کاهش درآمد عمومی و قدرت خرید مردم از تبعات این سیاست ویرانگر است.

ادامه در ص ۵

در این شماره:

«در مبارزه بخاطر کسب کرسی های مجلس، ذخیره اصلی

پوتین وارد میدان می شود» ص ۸

سیر حوادث در سوریه ص ۱۰

نگاهی به اوضاع عراق ص ۱۱

آذربایجان ملی حکومتین فدانسی ص ۱۳

حسین قوپال ص ۱۴

ربع رشیدی، دانشگاهی با قدمت ۷۰۰ ساله! ص ۱۵

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

جنبش کارگری در ایران

نخست وزیر وقت مداخله کرد و برای دلجویی از کارگران بخشی از خواسته های آنان را پذیرفت، می توان گفت که این تظاهرات که از سوی شورای متحده کارگری و احزاب سیاسی بویژه حزب توده ایران حمایت می شد زمینه ساز ملی شدن صنعت نفت را در سال های بعد فراهم آورد

با کودتای ۲۸ مرداد بار دیگر جنبش کارگری به شدت سرکوب شد و عملکرد آنان زیر ذره بین مقامات نظامی و امنیتی قرار گرفت. دهه ۴۰ خورشیدی بویژه در سال های آخر آن با نیمه اول دهه ۵۰ که درآمد های نفتی رو به افزایش بود، کارگران حوزه نفت از امکانات بهتری برخوردار شدند و رفاه خود را بالا بردند تا شرایط انقلابی در کشور خود را نشان داد، کارگران و تهیدستان در انقلابات و تحولات اجتماعی از جمله آخرین گروه هایی هستند که به انقلاب می پیوندند، در ایران هم همانگونه شد هر چند خمینی و بازرگان با حيله گری و دروغ و گاهی با وعده کمک های مادی از کارگران نفت درخواست می کردند که به انقلاب بپیوندند، زیرا بر این باور بودند که اعتصاب کارگران نفت و مسدود شدن درآمد های نفتی آخرین میخ بر تابوت رژیم خواهد بود در نتیجه کارگران حوزه نفت در ۵ مهرماه ۱۳۰۷۷ در راستای همسویی با انقلاب دست از کار کشیدند و به انقلاب پیوستند که این عمل آنان نوید پیروزی انقلاب را می داد.

اعتصاب کارگران حوزه نفت آیت الله خمینی را بسیار خشنود کرد و به وجد درآورد. اعتصاب کارگران نفت تیر خلاصی به رژیم شاهنشاهی زد و رژیم فروپاشید. با پیروزی انقلاب توده های مردم مخصوصا کارگران و زحمتکشانی که خود را صاحبان انقلاب می دانستند، انتظار داشتند که آزادی و عدالت اجتماعی در کشور جاری شود. اما این مهم نه تنها تحقق نیافت بلکه پس از مدتی رژیم جدید با هرگونه تشکل واقعی کارگری مخالفت کرد و در راستای منافع خود شوراها را اسلامی کار را تشکیل داد. در این راستا گروهی از مرتجعین مانند «احمد توکلی» قانون کار جدید نوشتند که در آن کارگران از همه حق و حقوق خود محروم می شدند (کارگر کار خود را به اجاره می داد، در پایان کار و یا روز کاری این اجاره به پایان می رسید) این قانون کار با واکنش شدید کارگران و سندیکاها و اتحادیه مستقل کارگری روبرو شد و مجبور شدند آن را پس بگیرند ولی آن ذهنیت را هیچوقت فراموش نکردند و هنوز هم در رویای اجرای آن به سر می برد. به هر روی قانون کار دیگری تنظیم کردند و اندکی بیشتر به حقوق

از آن رو با مطرح کردن اتهامات دروغین و واهی سیاسی و در نهایت اتهام وابستگی آنان به خارج تلاش می ورزد تا آن را مهار کند. هرچند هنوز سخن گوی دولت اعتدال علی ربیعی (برادر عباد دوران گذشته)، وزارت کار و... مهر سکوت بر لب زدند که گویا اتفاق مهمی رخ نداده است، در حالیکه اعتصابات، اعتراضات کارگری و حمایت از آنان به سرعت فراگیر و در حال گسترش در همه حوزه های اقتصادی و تولیدی است.

از مدت ها پیش پیش بینی می شد که کارگران، زحمتکشان و تهیدستان در زیر بار افزایش شدید قیمت ها کمر خم کرده اند و از افزایش حوادث کار و امنیت شغلی به ستوه آمده اند و دیگر یاری تامین مواد غذایی خود و خانواده را هم ندارند، زیرا افزایش حقوق سالانه آنان (حداقل دستمزد) خیلی پائین تر از میزان تورم تعیین شده و دولت طرفدار سرمایه و حامی فساد با همکاری نهاد های دزد خود ساخته هیچگونه توجهی به خواسته های آنان ندارد، رژیم تنها به پایداری خود می اندیشد، مجلس بی اختیاری برای خود ساخته و نفرات نزدیک بخود را که هر روز از تعداد آنان کاسته می شود با انتصاب و یا انتخابات نمایشی در نهاد های مهم حکومتی می گمارد، آخرین بازی رژیم که بصورت نمایش مبتذل درآمد در به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری رخ داد و قاتل و جنایتکار مشهور و نشاندار خود را در کاخ ریاست جمهوری قرار داد..

جنبش کارگری در ایران تاریخ دیرینه ای دارد، در سال های نخست سلطنت رضا شاه (۱۳۰۸) کارگران نفت که مورد تبعیض و ظلم داخلی و خارجی بودند دست به اعتصاب زدند که با خشونت بی رحمانه ای روبرو شدند، در پی آن مراکز کارگری بویژه کارگران نفت به شدت کنترل شدند که دیگر جسارت اعتراض نداشته باشند، با سقوط استبداد رضا شاهی در سوم شهریور ۱۳۲۰ احزاب سیاسی مترقی و طرفدار کارگر و زحمتکش تشکیل شدند و از سوی کارگران مورد حمایت قرار گرفتند. کارگران بویژه در حوزه نفت به سرعت متشکل شدند تا به حقوق خود دست یابند در این راستا در سال ۱۳۲۵ به اعتصاب دست زدند و خواهان حقوق مشترک و مساوی با کارکنان انگلیسی و هندی هایی شدند که در کنترل و مدیریت آنان کار می کردند، این اعتراض از سوی انگلیسی ها و عوامل داخلی آنان به شدت سرکوب شد که در آن تعدادی از کارگران (۴۷ نفر) کشته و تعداد بیشتری (۱۷۳) زخمی شدند، بدنبال آن « احمد قوام »

کارگران اعتصابی اعلام همبستگی کردند.

کارگران اعتصابی هنوز خواسته های صنفی خود را مطرح می کنند که در صورت عدم دستیابی به آن به خواسته های سیاسی تبدیل خواهد شد و با همگانی کردن آن در جامعه پیوند با نهاد های مردمی را پیش خواهند برد، تعداد زیادی از آنان با تهدید اخراج روبرو هستند و تعدادی هم از سوی شرکت های پیمانی اخراج شدند. کارگران اعتصابی خواهان حذف شرکت های پیمانی و انعقاد قرارداد مستقیم با کارفرما هستند، در این میان با یادآوری مشکلات اقتصادی و افزایش روز افزون قیمت ها خواهان افزایش دستمزد تا حداقل معیشت که از سوی خود مقامات و کارشناسان اقتصادی ۱۲ میلیون تومان تثبیت شده هستند و بر این پای می فشارند که مانند کارگران رسمی از مزایای ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت استفاده کنند. این کارگران هم اکنون در ماه ۲۴ روز کار و ۶ روز حق استراحت دارند.

این کارگران و زحمتکشان که بیشتر آنان در بدترین شرایط آب و هوایی (گاهی تا ۵۰ درجه گرما) کار می کنند خواهان امنیت شغلی اند، شیفت کاری ۱۲ ساعته دارند و دستمزد آنان از ۴ میلیون تومان تجاوز نمی کند، گاهی با خطرات کاری مانند سقوط از بلندی، حریق، آلودگی و استنشام مواد شیمیایی و سمی خطرناک مواجه اند.

رژیمی که با فریبکاری خود را حامی مستضعفان نشان می داد، چهره واقعی خود را نشان داده است، دیگر نمی توان راه خروج از بحران را در درون آن جستجو کرد و باید از آن رهایی پیدا کرد، گسترش اعتصابات نوید آن را می دهد، همبستگی و اتحاد همه نیرو ها مترقی ضرورت تاریخی است، رژیم دیگر پایگاهی بین مردم بویژه تهیدستان ندارد، در این میان بی پروایی و خشم مردم هر روز افزایش می یابد و رژیم مجبور به عقب نشینی است، کافی است واقعیت های جامعه بخوبی دیده شود و تبیین گردد. اعتراضات اهالی خوزستان و گسترش آن به شهرهای دیگر استان دلیلی بر این مدعاست....

کارگران توجه کردند تا دهه ۷۰ خورشیدی برای حمایت از سرمایه گذاران (کارآفرینان) کارگاه های زیر ۱۰ کارگر را از شمول قانون کار خارج کردند، در نتیجه کارفرمایان با تشکیل چند شرکت گاهی در یک مرکز تولیدی از آن بهره مند شدند، این ظلم و ستم به کارگر رژیم ولایت و تاریخ اندیش را ارضا نکرد و دست به یک حيله گری پلیدانه زد و این بار شرکت های پیمانی را وارد صحنه کرد تا مانع از هرگونه اعتصاب کارگری شود، این شرکت ها واسطه بین کارگر و کارفرما قرار می گیرد و هیچگونه نقشی در تولید و یا فن آوری ندارد، کارگران در استخدام این شرکت ها هستند که گاهی با قرداد سفید امضاء استخدام می شوند، این کارگران هیچگونه امنیت شغلی ندارند، در صورت بروز حادثه کار هم از حق و حقوق خود محرومند. اغلب این شرکت ها را نفرت وابسته به رژیم تشکیل داده اند و گاهی تا چند ماه از پرداخت حقوق کارگر در این شرایط گرانی و فقر خوداری می کنند

کارگران شرکت های پیمانکاری به دفعات یادآور شدند که دیگر قادر به ادامه زندگی با این شرایط نیستند ولی هر بار با اتهام های گوناگون مانند برهم زدن نظم عمومی، تشویش اذهان تا اقدام علیه امنیت ملی روبرو شدند و منتظر ماندند تا فاصله مردم از رژیم افزایش یابد و « رئیسی » جلاد برای ایجاد وحشت انتصاب شود. از فردای آن (۲۹ خرداد) روز کارگران شرکت های پیمانی در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و برخی دیگر اعتراض و اعتصاب خود را آغاز کردند و همزمان به سازماندهی خود پرداختند و شورای سازماندهی اعتراضات کارگری را تشکیل دادند، در مدت کوتاهی این اعتراضات به حوزه های دیگر مانند پایانه های سوخت گیری، خودروسازی، صنایع فولاد کرمان و... کشیده شد. و مورد حمایت سندیکا های نیشکر هفت تپه، اتوبوس رانی تهران و حومه، شورای بازنشستگان، دانشجویان، آموزگاران و اتحادیه کارگران آزاد قرار گرفت، تا کنون این اعتصابات با نام « ۱۴۰۰ » در بیش از ۷ استان گسترش یافته و همچنان در حال فراگیر شدن در گستره کشور است، در آخرین مرحله اتحادیه کامیونداران و رانندگان با

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد.

پیشه وری

مصلحت حکومت ولایت فقیه در....

مصلحی ضمن اینکه در همان دوره گزارش این ارزیابی را به شورای نگهبان ولایت فقیه ارائه می دهد، نتیجه گیری وزارت اطلاعات را نیز به شورای نگهبان چنین اعلام می کند که انتخاب رفسنجانی به مصلحت نظام نیست. بدین ترتیب شورای نگهبان نیز صلاحیت رفسنجانی را رد کرد. با توجه به آشکار بودن مهندسی انتخابات در ایران طی چند دهه اخیر که به قصد حفظ مصلحت نظام انجام می شود، حیدر مصلحی راز پنهانی را افشاء نکرد. ولی قاعدتا چنین مصاحبه «ظاهراً» پیش بینی نشده ای به موضوع «کف خیابان» در سال ۱۴۰۰ و مصلحت نظام در وضعیت کنونی مربوط است. شورای نگهبان نیز با توجه به ارزیابی «کف خیابان» در حال حاضر، نمایش انتخابات امسال را روی صحنه برد.

مصاحبه مصلحی چند روز بعد از اعلام لیست هفت نفره تایید صلاحیت شده شورای نگهبان برای شرکت در نمایش انتخابات انجام شد. در واقع مخاطب سخنان مصلحی افراد و جریان های درون رژیم فاسد جمهوری اسلامی اعم از «اصول گرا» و «معتدل» و «اصلاح طلبان» حکومتی بود که هر یک بیانگر منافع لایه های متفاوت سیستم سرمایه داری انگلی حاکم بر میهنمان هستند. چون که صلاحیت عده ای از آنها برای شرکت در نمایش رژیم تایید نشده بود و برخی از آنها اعتراضاتی را به زبان آوردند.

به زبان ساده تر، حیدر مصلحی اعلام کرد که برای ادامه عمر رژیم فاسد کنونی و ادامه چپاول ثروت های کشور و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان و خلق های ساکن ایران توسط بورژوازی تجاری، اداری و نظامی، با توجه به «کف خیابان» که همان نارضایتی بی سابقه اکثریت مردم است، نمی توان بازی دمکراسی را به شیوه سابق ادامه داد.

نتایج ارزیابی «کف خیابان» چنان برای مراکز اصلی قدرت رژیم ناگوار بوده که دیگر نمی توانستند اختیار قوه مجریه کشور را به روش های عوام گرایانه امثال احمدی نژاد و یا شیوه های فریبکارانه کلید داران «دولت تدبیر و

امید» حسن روحانی واگذار کنند. حتی به گفته دبیر شورای نگهبان، آنها از احتمال کاهش شرکت مردم و کاهش مقبولیت خود نزد مردم نیز اطلاع داشتند، ولی برای مصلحت نظام اعتنایی به آن نکردند. بنابراین، مصلحت نظام فاسد ولایت فقیه چنین تشخیص داده شد که اختیار قوه مجریه به رئیس جنایتکاران سپرده شود، به کسی که در مدت چند ده سال از هیچ جنایتی برای حفظ حاکمیت ولایت دریغ نکرده است.

«کف خیابان» در سال ۱۴۰۰ که همان نارضایتی انباشته شده طی سالها و خشم میلیون ها نفر از کارگران و زحمتکشان کشورمان است، خیلی زود نمایان شد. علاوه بر تحریم گسترده و بیسابقه نمایش انتخابات توسط اکثریت دارندگان حق رای کشورمان، هنوز شمارش رای ها به اتمام نرسیده بود که کارگران پیمانی شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی اعتصابات خود را که هنوز ادامه دارد آغاز کردند. این اعتصابات بیسابقه که سراسر صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در بیش از هفتاد موسسه بزرگ را در بر گرفته، مورد پشتیبانی کارگران رسمی و دیگر سندیکاهای کارگری و اتحادیه های عظیم سراسری نظیر اتحادیه معلمان و کانون بازنشستگان و احزاب و سازمان های مترقی قرار گرفت.

پس از کارگران، دهقانان و دامداران به میدان اعتراضات و تظاهرات وارد شدند. در اعتراض ها و راه پیمائی ها علیه سیاست های دولت در مورد گران شدن قیمت علوفه و قیمت دولتی شیر، تلف شدن دام ها و ریختن شیر بر خیابان ها و آوردن گاوها به برخی ادارات به نمایش گذاشته شد.

طی روزها و شبهای اخیر نیز ساکنین استان تروتمند و پر آب خوزستان در اعتراض به بی آبی، وارد میدان اعتراضات شدند. اعتراضات گسترده زحمتکشان و محرومین عرب استان خوزستان که هنوز با شدت ادامه دارد، با سرکوب وحشیانه نیروهای امنیتی روبرو شده و تا کنون حداقل ۸ نفر از جوانان تشنه معترض به بی آبی با شلیک مستقیم تفنگداران حکومت ولی فقیه جان باخته اند.

۲۳ تیرماه نیز ابراهیم رئیسی در جلسه ای با شرکت « اساتید و صاحب نظران اقتصادی»، طی سخنان خود بر این نکته مجدداً تأکید کرد. خلاصه کلام او این بود که «دولت متصدی خوبی برای امور اقتصادی نیست... و نباید تصور کرد که واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی پایان کار دولت با این واحدهاست، بلکه این تازه آغاز مسیر حمایت دولت از فعالیت بخش خصوصی است».

در واقع، در حالی که دهها سال از آغاز واگذاری موسسات دولتی به بخش خصوصی بر خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی برآمده از انقلاب توسط خامنه‌ای و رفسنجانی و نیز آغاز اجرای سیاست‌های نئولیبرالی طبق نسخه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول توسط رفسنجانی تحت عنوان «تعدیل اقتصادی» می‌گذرد، و نتایج منفی و خانمان برانداز این اقدامات خائنانه بر سر سفره کارگران و زحمتکشان بر همه آشکار شده و لاجرم این استثمارندگان را به میدان اعتراض و مبارزه کشانده است، سیاست‌های کلان اقتصادی حکومت ایران تغییر نکرده و تغییر نخواهد کرد.

بنابراین مصلحت حکومت فاسد ولایت فقیه در مورد سپردن اختیارات و نیروی اداری قوه مجریه و دولت به ابراهیم رئیسی همان سرکوبی شدید اعتراضات کارگران و زحمتکشان و خلق‌های ساکن ایران به سود چپاولگران ثروت‌های مملکت و غارتگران دسترنج زحمتکشان است.

این اعتراضات نیز مورد پشتیبانی گروه‌های وسیعی از مردم، اعم از ساکنین دیگر نقاط کشور نظیر اصفهان، تهران، لرستان تا هنرمندان و روشنفکران و احزاب و سازمان‌های سیاسی مترقی قرار گرفته است. گسترش اعتراضات خوزستان به نقاط دیگر و شدت افزایش یابنده سرکوب نیروهای حکومتی، به تدریج مشابه شکل حوادث اعتراضی در دیماه سال ۱۳۹۸ می‌گردد.

ولی طی مدت کوتاهی پس از نمایش انتخابات که «کف خیابان» یعنی کارگران و زحمتکشان و محرومین کشورمان اعتراضات خود را نسبت به سیاست‌های غارتگرانه و خانمان برانداز حکومت به سود مثنی تاجر و وزیر و سردار سپاهی نشان می‌دهند، شخص جنایتکاری که در حقیقت به «ریاست جمهوری» منصوب شده، چه کرده و چه می‌کند؟

ابراهیم رئیسی همان طور که نقش خود در نمایشنامه انتخابات ۱۴۰۰ را با شرکت در جلسه هیئت مدیره «اطاق بازرگانی صنایع و معادن ایران»، یعنی تشکل بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن ایران آغاز کرد، در پایان نمایش نیز به دیدار مدیران و کارگزاران «سازمان بورس و اوراق بهادار ایران» شتافت. این به روشنی نشان می‌دهد که اولین و آخرین اولویت رئیسی اطمینان دادن به آنها در مورد ادامه سیاست‌های کلان اقتصادی در مسیر سابق است.

رشد ۲۰۰ درصدی نقدینگی...

وی از چاپ ۸۰ هزار میلیارد تومان اسکناس بدون پشتوانه در بهمن و اسفند ۹۸ خبر داد.

همتی گفت: «پشت پرده رشد ۲۰ درصد واحد پایه پولی در بهمن و اسفند ۹۸ کسری بودجه ۶۰ هزار میلیارد تومانی دولت بود».

همتی در ادامه به برداشت پول نداشته از صندوق توسعه ملی اشاره کرد. وی افزود: «پول‌هایی که قرار شد در قالب ۵ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برداشت شود. پولی که

رشد نقدینگی در دولت روحانی نسبت به ۸ سال قبل ۱۱ برابر شده است. این نقدینگی بدلائل متعدد از جمله نداشتن زمینه در بازار تولید و ایجاد اشتغال هزینه نمی‌شود. در رکود تولید، لاجرم بازارهای کاذبی مانند دلالی و سفته بازی رونق می‌گیرد.

اظهارات همتی در خصوص چاپ اسکناس بدون پشتوانه همتی رئیس بانک مرکزی در جمع مدیران بازار سرمایه اظهاراتی جنجالی در خصوص چاپ اسکناس ابراز کرد.

اصلی ترین علت تورم در ایران، کسری بودجه و سیاستهای غلط مالی است. آنچه مسلم است علت اصلی در ناهماهنگی سیاست مالی و پولی در کشور می‌باشد. این سیاستهای مالی، اولویت را به سرازیر شدن ثروت‌های مردم به جیب سران حکومت می‌دهد.

استقراض دولت از نظام بانکی منجر به افزایش نقدینگی و یا بالا رفتن نرخ بهره در کشور می‌شود. اگر تامین این استقراض با افزایش نقدینگی باشد منجر به عرضه پول اضافه در جامعه و افزایش قیمت‌ها می‌شود. اگر تامین استقراض از طریق اوراق باشد منجر به بالا رفتن نرخ بهره و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. افزایش نقدینگی و کسری بودجه یک دور تسلسل است که تا علت اصلی آن درمان نشود ادامه خواهد داشت.

خبرگزاری فارس (۲ خرداد ۱۴۰۰) سخنان دانش جعفری وزیر پیشین اقتصاد در زمینه رشد نقدینگی را منعکس کرده است. وی می‌گوید: «یکی از دلایل تورم، همین سیاست‌های انبساطی پولی گسترده است. ما در سال گذشته با رشد نقدینگی ۳۸ درصدی مواجه شدیم. وقتی این مقدار رشد نقدینگی وجود دارد، این نشان می‌دهد که چقدر حجم پول افزایش پیدا کرده است.»

همین خبرگزاری از شکسته شدن رکورد ۷۵ ساله تورم در ایران به نقل از یک نماینده مجلس به نام احسان خاندوزی خبر داد. وی اظهار داشت: «به تازگی رکورد ۷۵ ساله تورم در ایران شکسته شد؛ اگر غیر از این است، بانک مرکزی گزارش فروردین ۱۴۰۰ را منتشر کند. ایران فقط در سال‌های اِشغال توسط متفقین، شاهد تورم بالاتر از ۵۰ درصد بوده است.»

سیاست‌های چپاول‌گرانه حکومت نتیجه‌ای جز رشد نقدینگی و تورم با ارقام غیر قابل باور ندارد. این تورم باعث فقر گسترده در کشور و فقیرتر شدن بیش از بیش مردم می‌شود. نابودی اقشار متوسط، گسست طبقاتی و به قعر خط فقر رفتن بیش از ۶۰ درصد مردم، نتیجه این سیاست‌های ویرانگر است. کارگران و مردم بخوبی می‌دانند که علت فقیرتر شدن روزانه آنها سیاست‌های چپاول‌گرانه سران حکومت است.

اصلاً وجود نداشت و پشتوانه نداشت. متعاقب این اتفاق به دلیل کرونا ۷۵ هزار میلیارد تومان نیز بابت خسارت و بیکاری ناشی از کووید ۱۹ در قالب وام‌های یک میلیون تومانی با نرخ ۱۲ درصد پرداخت شد. این نقدینگی با ضریب فزاینده ۷,۵ درصد رشد کرد. پولی که بانک‌ها به دلیل شرایط خاص کرونا نتوانستند با آن کاری کنند.»

همتی در بخش دیگری از صحبتش به وارد شدن این نقدینگی به بازار بورس و ترکیدن حباب بورس اشاره کرد. وی گفت: «بخشی از این پول به بورس آمد و آن شرایط عجیب در ماه‌های نخستین سال ۹۹ رقم خورد.»

۲ برابر شدن رشد پایه پولی کشور در کمتر از ۲ ماه برای درک رشد پایه پولی یک نمونه آن را بیان می‌کنیم. از فروردین ۹۸ تا بهمن ۹۸ رشد پایه پولی ۱۰ واحد، درصد پایه پولی کشور بوده است. در بهمن و اسفند ۹۸ این رشد پایه پولی به یکباره به ۲۰ واحد یعنی ۲ برابر رسید. این ۲ برابر شدن، باعث سرریز شدن ۸۰ هزار میلیارد تومان پول به بازار اقتصاد شد. علت رشد یکباره تورم در سال ۹۹ عدم تحمل رشد ۲۰۰ درصدی نقدینگی بدون پشتوانه، توسط بازار اقتصاد بود.

اعترافات دیر هنگام همتی، رونمایی گوشه‌ای از یک اقتصاد رو به زوال است. اقتصادی که یک سمت آن ابرسپرده گذاران و صاحبان سرمایه با سودهای نجومی هستند. سمت دیگر این تابلو هم بیش از ۶۰ میلیون ایرانی است که به نان شب محتاجند. مردمی که بدلیل رشد سرسام‌آور تورم هر روز فقیرتر می‌شوند. اعتراضات روزانه کارگران، معلمان، بازنشستگان و... به فقر و تنگدستی بدلیل سیاست‌های ضدردمی و غارتگرانه این حکومت است.

رشد نقدینگی و تورم علت فقیرتر شدن روزانه کارگران رشد نقدینگی و تورم از پدیده‌هایی است که بدلیل سیاست‌های چپاول‌گرانه حکومت سالها است که در کشور ما وجود دارد. این پدیده در کشورهایی که اصول اقتصادی در آنها رعایت می‌شود سالها است که حل شده است. برای بسیاری از کشورها دیگر واژه تورم قابل فهم نیست.

با هجوم طالبان، نگرانی ها در...

افغانستان مرز دوستی و همکاری است» و تمامی نیروهای ارتش ترکمنستان در مکانهای ثابت خود قرار دارند.

طبق معمول در چنین شرایطی، کسانی پیدا می شوند که می خواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. آمریکا بطور آشکار خواستار بر گرداندن پایگاههای نظامی خود به آسیای مرکزی است. نماینده رسمی پنتاگون «جان کری» اعلام کرد که پنتاگون با رهبران جمهوری های منطقه در مورد «چشم انداز عملیات از راه دور» که می تواند از اراضی این کشورها صورت گیرد، در حال مذاکره است.

معاون وزارت خارجه آمریکا «ویکتوریا نولاند» طی گفتاری اعلام کرد که پس از خروج نیروهای آمریکا از افغانستان، واشنگتن به کمک های نظامی خود به دولت کابل ادامه خواهد داد: «به همین دلیل ما با کشورهای آسیایی مرکزی در این باره در حال مذاکره هستیم».

دیپلماسی آمریکا بسیار فعال عمل می کند. وزرای خارجه ازبکستان و تاجیکستان همزمان وارد واشنگتن شدند و با وزرای خارجه و دفاع آمریکا به مذاکره نشستند. پنتاگون پس از این مذاکرات در بیانیه ای اعلام کرد: «طرفین در رابطه با اهمیت گسترش همکاری های نظامی و دفاعی و همچنین مبارزه با تهدیدها و خطرهای مشترک به توافق رسیدند». مسئله افغانستان و امنیت منطقه مابین معاون وزیر خارجه ترکمنستان و معاون وزیر خارجه آمریکا نیز مذاکره گردیده است.

طبق داده های مطبوعات آمریکا، کاخ سفید امکان فرستان ۹ هزار افغانی را که با آمریکائی ها کار می کردند، با دولت های تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان در میان گذاشته است. طبق اطلاعات همین مطبوعات، آمریکا قصد دارد شعبه دستگاه اطلاعاتی خود را برای نظارت بر افغانستان در آسیای مرکزی مستقر سازد.

تمامی اینها می تواند منطقه را برای مدتی طولانی به آمریکا و ماجراجوئی های آن وابسته کند.

برگرفته از روزنامه پراودا، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۱

در عکسها و ویدئوهائی که طالبان ارائه داده، تصرف فرودگاه «بادقیس» و هلی کوپترهای جنگی ۸۴۱ نمایش داده می شود.

ارتش افغانستان با تلاش بسیاری توانست مرکز ایالت «بادقیس» و دومین شهر بزرگ کشور یعنی قندهار را حفظ کند. جنگ به خیابان های شهر کشیده شده بود. طالبان تسلط کامل خود را بر «بدخشان» که مرز مشترک با تاجیکستان، چین و پاکستان است، برقرار کرده است. آنها در حال تصرف مناطق بیشتری هستند که منجر به محاصره کامل کابل می گردد. از جمله «اسلام قلعه» در مرز ایران و «تورگوندی» در مرز ترکمنستان.

نیروهای ارتش افغانستان از نبرد امتناع می کنند و ترجیح می دهند به کشورهای همجوار پناهنده شوند. فقط در ماه های اخیر بیش از ۲۰۰۰ سرباز افغانستان به تاجیکستان فرار کرده اند. فعلاً اقدامی برای کنترل مرزها از طرف طالبان صورت نگرفته است. رهبران طالبان می گویند که هدف آنها کنترل بر افغانستان است و قصد تجاوز به کشورهای مجاور را ندارند.

با اینحال، حاکمیت جمهوری های آسیای مرکزی اقدامات امنیتی را آغاز کرده اند. در تاجیکستان ۲۰ هزار نیروی ذخیره ارتش برای کنترل مرز با افغانستان گسیل شده اند. دولت تاجیکستان از «سازمان پیمان امنیت جمعی» درخواست کمک نموده است. اقدامات مشابهی از طرف ازبکستان نیز صورت گرفته است.

در مورد عکس العمل حکومت ترکمنستان مشکل می توان پیش بینی کرد. طبق نوشته مطبوعات مهاجرین ترکمنستان در خارج، نیروهای ذخیره ارتش ترکمنستان با توپ و تانک به طرف شهر مرزی «سرخط آباد» در حال حرکت هستند. حتی در مورد تخلیه خانواده های افسران ارتش از مرز افغانستان نوشته شده است. اما در تاریخ ۱۱ ژوئن، وزارت خارجه ترکمنستان در بیانیه ای این اخبار را دروغ خواند و اعلام کرد که «مرز بین ترکمنستان و

« در مبارزه بخاطر کسب کرسی های مجلس، ذخیره اصلی پوتین وارد میدان می شود »



رهبران کارآمدتر که جوابگوی دوران جدید برقراری سرمایه داری در روسیه هستند، خالی کنند.

چنانکه شاهد بودیم، این حادثه پیش نیامد. گذشته از این، در انتخابات پیش روی مجلس دوره هشتم که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ انجام خواهد گرفت، تمامی این سه حزب «اپوزیسیون» به رهبری همان چهرهای سابق شرکت می کنند. دوباره در راس حزب کمونیست زیگانف، حزب لیبرال دمکرات ژیرنوفسکی. حزب «عدالت روسیه» در ائتلاف با احزاب «در راه حقیقت» و « میهن پرستان روسیه» در این انتخابات با نام «عدالت روسیه-میهن پرستان-در راه حقیقت» شرکت می کنند، اما باز هم به رهبری همان میرونوف.

اکثریت تحلیلگران سیاسی معتقدند که انتخابات سال ۲۰۲۱ به دلیل این که در مدت این ۶ سال جامعه «چپ تر» شده است، شانس اپوزیسیون با دیدگاه های چپ بسیار بالا است. در این شرایط مشکل خواهد بود که حزب « روسیه واحد» بتواند پیروزی سال ۲۰۱۶ را تکرار کند.

اما من فقط با یک بخش از این تحلیل ها موافقم. آنهم اینکه حقیقتاً بسیاری از انتخاب کنندگان «چپ» شده اند. اما رهبران اپوزیسیون همان قدیمی ها هستند. و مهمتر از همه، آنها در خواست اصلی را اعلام نکرده اند. یعنی اراده برای گرفتن حاکمیت دولتی برای اجرای برنامه خود در جهت رفاه همه مردم روسیه، نه فقط قشر فوقانی سرمایه داران.

نمایندگان دوره هفتم مجلس «دومای» فدراسیون روسیه اختیارات خود را با احساس اجرای وظایف خود در مقابل انتخاب کنندگان واگذار کردند. اما در واقع امر، اکثریت انتخاب کنندگان اینطور فکر نمی کنند. چون از فعالیت آنها زندگی اکثریت مردم بهتر نشد. بهای مواد غذایی، مایحتاج ضروری، هزینه آب و برق همچنان افزایش می یابد. اما درآمد مردم ثابت می ماند. بخاطر عدالت هم که شده باید گفت درآمد خود نمایندگان، کارکنان دستگاه دولتی و قشر فوقانی سرمایه داران افزایش یافته است. دقیقاً مجلس دوره هفتم، یا بهتر گفته شود، هسته اصلی آن، یعنی فراکسیون حزب «روسیه واحد» برای این قشر سرمایه داران روسیه فعالیت کرد و هیچ کاری برای مردم انجام نداد.

یاد آوری می کنیم که نمایندگان این دوره در سپتامبر ۲۰۱۶ انتخاب شدند. در آن انتخابات حزب «روسیه واحد» از تعداد ۴۵۰ کرسی «دوما» تعداد ۳۵۵ کرسی را بدست آورد (در دوره قبلی ۲۳۸ کرسی بود). یعنی اکثریت مطلق. نمایندگان احزاب دیگر که خود را نسبت به کرملین «اپوزیسیون» می نامند به ترتیب: حزب کمونیست روسیه ۴۲ کرسی (در دوره قبل ۹۲ کرسی)، حزب « لیبرال دمکرات» ۳۹ کرسی (در دوره قبل ۶۴ کرسی)، حزب «عدالت روسیه» ۲۳ کرسی (در دوره قبل ۵۰ کرسی).

چنین پیروزی شگرفی توسط حزب «روسیه واحد» به رهبری د.آ.مدویدوف که در آن وقت نخست وزیر هم بود، و شکست سنگین احزاب «اپوزیسیون»، در تمامی تاریخ موجودیت دوما دولتی از سال ۱۹۹۴ تا به حال سابقه نداشته است.

انتظار می رفت که پس آن شکست سنگین، رهبران «اپوزیسیون»، گ.آ.ز.وگانف (حزب کمونیست روسیه)، و.و.ژیرنوفسکی (حزب لیبرال دمکرات) و س.م.میرونوف (حزب عدالت روسیه) داوطلبانه استعفاء دهند و جا را برای

کند. در این حالت، حزب لیبرال دمکرات جایگاه سوم خود را از دست خواهد داد.

قبل از هر چیز باید یاد آوری کرد که نتایج سیاستهای اجتماعی - اقتصادی نمایندگان دوره هفتم مجلس (۲۰۱۶ - ۲۰۲۱)، از طرف فراکسیون حزب «روسیه واحد» شکل گرفته است، چون که اکثریت مطلق را داشتند. در نتیجه، علیرغم خواست اکثریت ساکنین کشور، قوانینی از طرف این فراکسیون به تصویب رسید که در عمل وضعیت زندگی اکثریت ساکنین کشور را بدتر کرد: افزایش سن باز نشستگی؛

عدم پرداخت بودجه لازم برای بهداشت، علم و آموزش و پرورش؛

تغییر زمان انتخاب رئیس جمهور کشور؛

افزایش تعداد کارمندان دولت در مرکز و مناطق دیگر؛

سیستم مالیاتی نا عادلانه برای افرادی با درآمدهای مختلف؛

و بسیاری قوانین دیگر.

از این می توان نتیجه گرفت که نمایندگان سابق دوره هفتم مجلس دوما و قبل از همه هسته اصلی آن یعنی فراکسیون حزب «روسیه واحد» در حرف طرفدار رشد و بالا بردن سطح رفاه اجتماعی - اقتصادی ساکنین کشور بودند. اما با توجه به قوانینی که اینها به تصویب رساندند و نتایج آن در عمل، این رشد و سطح رفاه به واقعیت مبدل نگردید. برعکس، موقعیت اجتماعی - اقتصادی اکثریت مردم بدتر شد. اما این نمایندگان بسیار خوب به نفع سرمایه داران داخلی کار کردند که در نتیجه آن، در آمد آنها افزایش یافت و مردم فقیرتر شدند.

آیا نمایندگان مجلس آینده به نفع مردم و کشور کار خواهند کرد؟ و فعالیت آنها موجب رشد وطن خود و بالا بردن سطح رفاه اقتصادی مردم کشور خواهد گردید؟

این به چگونگی رای دادن ما در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ وابسته است. هیچکدام از نمایندگان دوره کنونی که به لوایح قانونی و مفاد آن رای داده اند و باعث تخریب اقتصاد و افت سطح زندگی مردم کشور شده اند، حق ندارند به انتخاب دوباره خود برای مجلس دوما از طرف «انتخاب کنندگان چپ» امیدوار باشند.

برگرفته از سایت دانشمندان سوسیالیست روسیه «روسو» ۲۴

ژونن ۲۰۲۱، نوشته ویچسلاو زیلانف

دقیقاً همین در خواست را انتخاب کنندگان «چپ» شده می خواهند بشنوند. اما این از طرف هیچکدام از رهبران «احزاب اپوزیسیون» بیان نشده است.

حزب «روسیه واحد» دارای امکانات اداری وسیعی است که هم اکنون بسیار فعالانه از آن استفاده می کند. مثلاً از امکانات رسانه های عمومی دولتی.

همزمان با این، چنانکه کنگره قبل از انتخابات حزب «روسیه واحد» نیز نشان داد، مشخص است که رهبری حزب پائین آمدن وزن و اعتبار حزب «روسیه واحد» را درک کرده اند و به همین دلیل تصمیم گرفته اند که تغییرات اساسی در هدایت این انتخابات انجام دهند. و کسانی را پیش کشیده اند که بتوانند همچون «ماشین بخاری» این حزب را در انتخابات مجلس هشتم به پیروزی برسانند. برای اولین بار است که کنگره حزب «روسیه واحد» اینچنین «ماشین های بخار» نیرومندی به میدان می آورند. چنین سیاستمداران سنگین وزنی همچون س.مشایگو وزیر دفاع روسیه و س.لاورف وزیر خارجه روسیه. در کنار آنها «کسانی هم از مردم» همچون دیپاراسنکو پزشک و... در واقع این «ذخیره اصلی» رئیس جمهور روسیه و پوتین است. به نظر من او تصمیم گرفته با هدف پیروزی در انتخابات مجلس دوما و کسب اکثریت مطلق کرسی ها، آنها را وارد میدان نبرد کند.

در انتخابات ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱ بعید نیست که حزب «روسیه واحد» اگر هم اکثریت مطلق را بدست نیاورد، باز بتواند اکثریت نسبی، یعنی ۲۷۰ کرسی را بدست آورد.

بخاطر کسب ۱۸۰ کرسی باقی مانده باید سه داوطلب اصلی مبارزه کنند: حزب کمونیست روسیه، حزب لیبرال دمکرات و حزب «عدالت روسیه- مهین برستان- در راه حقیقت». و اینجا ممکن است سورپریز روی دهد. بعید نیست که «انتخاب کنندگان چپ» به طرف شعارهای میرونوف که از زوگائف به عاریه گرفته گرایش پیدا کنند و رای خود را به جای حزب کمونیست به ائتلاف میرونوف دهند.

در صورت چنین وضعیتی، حزب کمونیست روسیه موقعیت حزب دوم را در مجلس از دست می دهد و جای سوم را خواهد گرفت و میرونوف در جایگاه دوم قرار می گیرد.

سناریوی دیگری هم محتمل است. حزب کمونیست روسیه در صورت بسیج صحیح نیروهایش می تواند جایگاه دوم خود را حفظ

سیر حوادث در سوریه



اخوان المسلمین داشت، سوریه نیز به منطقه نفوذ ناتو و آمریکا تبدیل می‌گردید. همچنین انحصار شبکه انتقال نفت و گاز منطقه خاورمیانه از طریق سوریه در کنترل غربی‌ها قرار می‌گرفت. علاوه بر اینها، حاکمیت اخوانی‌های سنی مذهب در سوریه باعث تقویت مواضع سنی‌های عراق و منطقه می‌گردید و دولت ایران و جریانهای سیاسی مذهبی شیعه را در خاورمیانه در تنگنای شدیدی قرار می‌داد. در چنین حالتی، آمریکا و ترکیه و عربستان سعودی به طرف پیروز این جنگ ژئوپولیتیک تبدیل می‌شدند.

موقعیت فعلی بخشی از اپوزیسیون مسلح دولت سوریه که به شکل فعال و مستقیم در جنگ داخلی با دولت شرکت داشت و دارد، و نقش آن در سرنوشت آینده سیاسی سوریه، به طور عمده تابع نتایج فعالیت‌های نظامی و میدانی آنان است. بعد از سپتامبر سال ۲۰۱۵ و مداخله مستقیم روسیه در جنگ‌های داخلی آن کشور، دولت سوریه و متحدانش یعنی ایران و روسیه توانستند بیش از ۷۰٪ (هفتاد درصد) از مناطقی را که در کنترل ارتش آزاد سوریه بود مجدداً تصرف نمایند. این پیروزی‌ها موجب تضعیف سیاسی مخالفان گردید. در حال حاضر، در مذاکراتی که پیرامون تدوین قانون اساسی جدید سوریه با سرپرستی سازمان ملل متحد انجام می‌گیرد، به دلیل انعطاف ناپذیری دولت سوریه، هیچ‌گونه پیشرفتی حاصل نگردیده است. اکنون می‌توان گفت که ائتلاف مخالفان به رهبری ناصر حریری، که در عین حال رهبری ارتش ملی سوریه (ارتش آزاد قبلی) را نیز به عهده دارد، دچار نوعی استحاله فرسایشی شده است.

اوضاع اقتصادی و اجتماعی سوریه به دلیل ادامه جنگ داخلی و عدم وجود امنیت در همه زمین‌ها و هم چنین بدلیل اعمال تحریم‌های همه‌جانبه از سوی آمریکا با استناد به قانون «مجازات قیصر» که از زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ به اجرا گذاشته شده است، دچار مشکلات و کمبودهای فراوانی است. حدود ۱۲ میلیون نفر در داخل خود سوریه مجبور به مهاجرت از مکانی به مکان دیگر گردیده‌اند و ۸ میلیون نفر به کشورهای دیگر پناهنده شده‌اند. ارزش پول ملی، لیره سوریه، به دلیل تورم ناشی از رکود اقتصاد ملی، روز به روز کم‌تر می‌گردد. اکثر زیرساخت‌های اقتصادی در جریان جنگ داخلی آن کشور ویران گردیده است. تامین حداقل احتیاجات برای زندگی انسانها در سوریه به یک معضل بزرگ تبدیل شده است.

در زمینه سیاسی، این یک حقیقت انکار ناپذیر است که اگر کمک‌های همه‌جانبه نظامی، مالی و دیپلماتیک کشورهای روسیه و ایران نمی‌بود، دولت فعلی سوریه نمی‌توانست به حیات سیاسی خود ادامه دهد. بنا بر همین دلایل است که رژیم فعلی سوریه و بشار الاسد دارای آن چنان نظر و اراده مستقلی نیست که بتواند فعالیت‌هایی را در جهت تامین منافع ملی آن کشور، از طریق گفت‌وگو با مخالفان و دگراندیشان سوریه به انجام برساند. کشورهای روسیه و ایران تاثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در زمینه سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی رژیم سوریه دارند. یکی از مهمترین دلایلی که ایران و روسیه را وادار نمود که در ماندگاری بشار الاسد یا فشاری نمایند، اتوریته و نفوذ جریان اخوان المسلمین بود. این جریان توانسته بود به قویترین جریان سیاسی در ترکیب مخالفان دولت سوریه تبدیل گردد. در صورت پیروزی این اپوزسیون، روسیه تنها پایگاه و منطقه نفوذ خود را در خاورمیانه و مدیترانه شرقی از دست می‌داد. در نتیجه، با توجه به نفوذی که ترکیه بر جریان

می تواند بر بخشهای دیگر تاثیر گذار باشد. مثلا هر گونه امتیاز گیری و امتیاز دهی در لیبی میان ترکیه و روسیه می تواند در اوضاع سوریه تاثیر گذار باشد. می توان گفت جنگ در سوریه به یک جنگ فرسایشی و طولانی مدت تبدیل شده است و امید آن وجود ندارد که در آینده نزدیک ثبات و امنیت به این کشور باز گردد. البته موضوع سوریه همیشه در دستور کار مذاکرات مجامع بین المللی و قدرت های بزرگ قرار داشته است. در روزهای آخر ماه ژوئن، در شهر رم ایتالیا، کنفرانسی با حضور کشورهای عضو ائتلاف بین المللی بر گذار گردید که در آن دو تصمیم مهم اتخاذ گردید. یکی فعال نمودن مجدد فعالیت کمیسیون تدوین قانون اساسی به سرپرستی نماینده سازمان ملل متحد و مورد دیگر اینکه 75 هزار نفر از اعضای تشکیلات داعش و اعضای خانواده هایشان که در اردوگاه «هوله» زندگی می کنند به کشور هایشان باز گردانده شوند. این داعشی ها تبعه 52 کشور مختلف جهان می باشند.

یکی دیگر از حوادث مهم در ارتباط با تحولات در سوریه، تغییر سیاست اتحادیه عرب و اکثریت کشورهای عربی در قبال رژیم سوریه می باشد. اتحادیه عرب بعد از اوج گیری جنگ های داخلی در سوریه عضویت این کشور را در اتحادیه عرب لغو نمود. ولی در ماههای اخیر مجدداً عضویت سوریه را در این اتحادیه احیاء کرد. هم چنین در ماه ژوئن ۲۰۲۱ دیدارهای دو جانبه میان هیئت های دیپلماتیک سوریه با عربستان سعودی و امارات متحده عربی انجام گرفت. این حوادث نشان دهنده تغییر سیاست آن کشورها هم در قبال مخالفان و هم رژیم سوریه و هم چنین تغییر مشی اتحادیه عرب در قبال رژیم فعلی سوریه است.

زیرا هم حمایت های داخلی و هم حمایت های وسیع خارجی را از دست داده اند. وابستگی و نفوذ بسیار زیاد ترکیه در میان این بخش از اپوزسیون و هم چنین استفاده نظامی از نیروی های ارتش آزاد در مناطقی خارج از سوریه، بخصوص در جنگ های داخلی لیبی، به وجه و اعتبار سیاسی ارتش آزاد و نمایندگان سیاسی آنها لطمه بزرگی وارد کرده است.

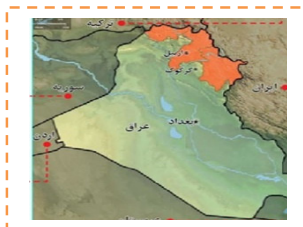
بخش دیگری از اپوزسیون دولت سوریه در ساختار و ترکیب تشکیلاتی حزب «آینده سوریه» متحد گردیده اند. این حزب حزبی است که عمده دارای مواضع چپ و سکولار می باشد و کردها، عرب ها و اقلیت های مسیحی و ملی آن کشور را متحد ساخته است. این حزب نیز دارای تشکیلات نظامی به نام «یگان های مدافع خلق» می باشد. این حزب بخش وسیعی از شمال و شمال شرق سوریه را تحت کنترل دارد و خواهان یک سیستم سیاسی دمکراتیک و فدرال برای جامعه سوریه است.

در حال حاضر، اراضی سوریه به یکی از حلقه های زنجیره جنگهای سیاسی در جغرافیای منطقه وسیعی تبدیل گردیده که محدوده بزرگی از افغانستان تا شمال افریقا و اوکراین و مدیترانه شرقی را در بر می گیرد. بازیگران اصلی در این صحنه، کشورهای عضو ناتو به رهبری آمریکا و کشور روسیه و ایران و عربستان سعودی و هم چنین ترکیه می باشند. در حال حاضر روابط و مناسبات بسیار پرتنش و متضادی میان این دولت ها وجود دارد. هر گونه کنش و واکنش سیاسی و نظامی میان این کشورها در یک منطقه از این جغرافیای بزرگ جنگ های ژئوپولیتیکی

نگاهی به اوضاع عراق

پس از گذشت ۱۸ سال از سرنگونی رژیم صدام حسین در عراق، هنوز هم جامعه عراق و سیستم سیاسی حاکم بر آن نتوانسته است با استفاده نمودن از ظرفیت های اقتصادی و انسانی و سیاسی کشور، زمینه مناسبی را در جهت تامین احتیاجات همه جانبه مردم فراهم آورد.

دولت عراق روزانه ۰.۳ میلیون بشکه صادرات نفتی دارد. این مقدار درآمد نفتی به راحتی می تواند سرمایه گذاری هائی را که جامعه عراق به آن احتیاج دارد تامین



نماید. ولی واقعیت های موجود در این کشور تمایانگر حقیقت تلخی است که مردم آن کشور را از دسترسی به خدمات زیر بنایی با کیفیت مانند آب آشامیدنی و برق و

خدمات بهداشتی و بازسازی زیر ساخت های اجتماعی مورد نیاز محروم نموده است. به دلیل همین ناکارآمدی ها است که در مدت ۱۸ سال گذشته، مردم این کشور حرکات اعتراضی بسیار گسترده ای را علیه دولت هائی که در عراق حاکمیت داشته اند، انجام داده اند. نقطه اوج این تظاهرات و مبارزات مردم در اوائل ماه اکتبر سال ۲۰۱۹ اتفاق افتاد. آن اعتراضات تمامی مناطق عرب نشین عراق را فرا گرفت و منجر به کشته شدن ۶۵۰ نفر از تظاهر کنندگان گردید و هزاران نفر نیز زخمی گردیدند. اعتراضات نهایتاً به یک بحران عمیق سیاسی مبدل گردید که منجر به استعفای عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق شد. بعد از گذشت چند ماه، جریان های سیاسی در عراق در مورد نخست وزیری مصطفی الکاظمی به توافق رسیدند.

رقابت سیاسی غیر دمکراتیک و نا سالم میان جریانهای سیاسی با هدف مبارزه بر سر قدرت، مهم ترین دلیلی است که از شکل گیری ثبات سیاسی در جامعه عراق جلوگیری می نماید. قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. مقرر گردید تا سال ۲۰۰۷ ماده ۱۴۰ این قانون که راه حل چگونگی حل اختلافات ارضی میان دولت عراق و منطقه فدرال کردستان را ارائه داده بود، اجرائی گردد. ولی تاکنون هیچ اقدامی در جهت اجرای آن ماده و هم چنین قوانین مربوط به چگونگی بهره برداری از منابع و درآمدهای نفتی معین نگردیده است. تاکنون این تنش ها همچنان میان منطقه فدرال کردستان و دولت مرکزی عراق به پایان نرسیده است. همچنین دولت مرکزی عراق از سال ۲۰۱۷ از پرداخت سهم کردستان از بودجه دولتی عراق که معادل ۱۲,۶۷ درصد از کل بودجه دولت عراق است، خوداری می کند. البته کردها نیز در عوض، برای رفع نیازمندی های مالی خود، با استخراج روزانه ۴۵۰ هزار بشکه نفت و فروش آن از طریق بندر جیحان در ترکیه توانسته اند وضعیت خود را اداره نمایند.

رقابت ها میان گروه های شیعه مذهب طرفدار حکومت

جمهوری اسلامی ایران و دیگر گروههای شیعه که تمایلات شدید ملی گرایی عراقی دارند، امکان نمی دهد دولت هائی که یکی پس از دیگری در عراق به حاکمیت رسیده اند از ظرفیت های قانونی و مالی و دیگر امکانات موجود به شکل مطلوبی بهره برداری کنند. این جریان ها به اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی خود اهمیت می دهند نه منافع ملی کل جامعه عراق. در عین حال به دلیل کشمکش ها و مبارزات منطقه ای میان ایران و آمریکا، عملاً کشور عراق به مرکز اصلی این مبارزات مبدل گردیده است. بویژه پس از سال ۲۰۱۴ و پیدایش داعش و اعلام موجودیت «حشد شعبی» که از ۶۴ گروه شیعه مختلف تشکیل شده است. برای این گروه ها این امکان بوجود آمده که برای دست یابی به اهداف سیاسی خود، از وجود گروههای مسلح طرفدارشان که در ترکیب حشد شعبی هستند استفاده نمایند. وجود چنین واقعیت نگران کننده ای، همیشه جامعه عراق را در آستانه جنگ داخلی قرار می دهد. بارها و بارها مقامات رسمی دولت عراق از ناتوانی بر کنترل و نظارت بر فعالیت های بخش هائی از گروههای مسلح حشد شعبی که طرفدار ایران هستند، اعتراف کرده اند. از آغاز سال ۲۰۲۱ تاکنون این گروهها ۳۱ عملیات نظامی بر علیه نیروهای آمریکائی موجود در عراق انجام داده اند و متقابلاً نیروهای آمریکائی نیز با انجام عملیات های مختلف بر علیه آنها سعی می نمایند اوضاع داخلی عراق را از نظر امنیتی در کنترل و نظارت خود داشته باشند. پس از کشته شدن قاسم سلیمانی توسط آمریکائی ها، پارلمان عراق قانونی را به تصویب رسانید مبنی بر لزوم خروج تمامی نیروهای آمریکائی از عراق. دیدارهای دیپلماتیک متعددی میان مقامات آمریکائی و عراق در جهت چگونگی شکل دهی به روابط آینده میان این دو کشور انجام شد. سفر مصطفی کاظمی به آمریکا و دیدار او با رئیس جمهور این کشور از جمله مهمترین این دیدارها است. آمریکا در حال حاضر، پس از خارج کردن بخش زیادی از نیروهای نظامی خود از عراق، دو پایگاه

که به مثلث مرگ مشهور است و در مثلث میان استان های کرکوک، دیاله و صلاح الدین واقع گردیده، تا حدود زیادی در کنترل خود قرار داده است. داعش تاکنون با انجام عملیات متعدد در طول این سال ها، صدها نفر از افراد نظامی و غیر نظامی را بقتل رسانیده است. آنها در مدت دو ماه گذشته با انفجار ۴۹ ایستگاه توزیع و انتقال برق در مناطق مختلف، توانسته اند بخش وسیعی از مناطق مرکزی و جنوبی عراق را با بحران و معضلات سنگین بی برقی مواجه گردانند که تاکنون هم ادامه دارد.

بر طبق توافقات سیاسی میان جریانها و احزاب مختلف عراق مقرر گردیده است که انتخابات زود هنگام پارلمان این کشور در تاریخ دهم ماه اکتبر ۲۰۲۱ برگزار گردد. این انتخابات می تواند پنجره ای از امید را به روی مردم عراق در جهت بهبودی اوضاع سیاسی و اجتماعی آن کشور بگشاید. آیا احزاب و سازمانهای سیاسی در عراق توانایی معنوی و ملی آن را خواهند داشت که با برگزاری یک انتخابات سالم و عاری از کمی و کاستی به این امید تحقق ببخشند؟

این موضوعی است که در آینده مشخص خواهد شد.

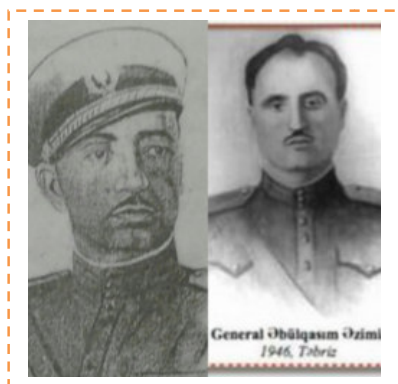
مهم «عین الاسد» و «کیوان» را به نیروهای عراقی واگذار کرده است. در ضمن در ماه ژوئیه «بیان استوتمبرگ» دبیر کل سازمان ناتو اعلام نمود در صورت خروج نیروهای آمریکائی از عراق، نیروهای نظامی ناتو در عراق مستقر خواهند شد. البته آمریکا سعی می نماید با استفاده از راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک بخصوص در چارچوب مذاکرات اتمی با ایران (برجام) از فعالیت های لجام گسیخته ایران در عراق و منطقه خاور میانه جلوگیری نماید. خود آمریکائی ها نیز باید با احترام به حق حاکمیت ملی مردم عراق بر سر نوشت خویش، به مداخلات خود در امور سیاسی این کشور پایان دهند.

داعش در عراق

هرچند که تشکیلات داعش توانایی و قدرت نظامی سالهای ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ را ندارد، ولی بنابه دلایلی عینی که ناشی از نارضیتی های مردم سنی مذهب عراق و سوریه از دولت های خود است، هنوز هم با انجام فعالیتهای نظامی و انتخاب تاکتیک جنگ های غیر منظم، توانسته است به موجودیت خود ادامه دهد. داعش منطقه وسیعی را در عراق

آذربایجان ملی حکومتهین فدائیس

ابولقاسم عظیمی ۱۹۰۹ - ۱۹۴۷ جو ایل



۱

آذربایجان ملی حکومتهین فدائیس ابولقاسم عظیمی کچمیشده ناخچوان شهریندن مشهد شهرینه کوچموش آذربایجانلی بیر عائله ده آنادان اولموشدور. او، ابتدای و اورتا تحصیلهی مشهد شهریندن فیردوسی مکتبینه آلمیشدیر. گنج ابولقاسم (ه.ش. ۱۳۰۲) ۱۹۲۳ - جو ایله اوردو سیرالارینا جلب اندیلیر و حربی زابطلیک مکتبینه گؤندریلیر. اورانین پیادا حیسه سینین لیتنانتی درجه سی ایله قورتاران عظیمی، رضا خان اوردوسوندا خدمت اندیر، پولکونیک روتبه سینه قدر یوکسهلیر. خدمت ائتدیکجه عسگرلرین عادی اینسانی حقوقلاردان محروم اندیلیمه لری،

یارانماسیندا، اونون پروقرامینین حاضرلانماسیندا، معلمترین سچلمه سینده یاخیندان اییشتراک ائتمیشدیر.

۱۹۴۶ - جی ایلین آپرئل آییندا آذربایجان ملی حکومتی ایله قاضی محمدین رهبرلیک ائتدی کردستان ملی حکومتی آراسیندا باغلانمیش مقاویله یه اساساً ایون آییندا ژنرال عظیمی نین کوماندانلیغی آلتیندا فدائی و قیزیل باش خلق قوشونلاری دسته لری کردستان ساقیز جبهه سینده گؤندریلمیشدیر. آذربایجان فدائیلری ایله کردستان پشمرگه لرینین (فدائیلرینین) بیرلشمیش قوه لری آوقوست آیینین سونونا قدر کردستان اراضی سینی شاه قوشونلاریندان تمیزلمیشدیر. لاکن ۱۹۴۶ - جی ایلین نوایبر آیینین سونلاریندا آمریکا امپریالیزمی طرفیندن وئرلمیش معاصر سلاحلارلا سیلاخلانمیش شاه قوشونلاری ایله برابر اولمایان دؤیوش نتیجه سینده ژنرال عظیمی نین رهبرلیک ائتدی فدائیلر محاصره یه آلیندیلار.

۱۹۴۷ - جی ایله ژنرال ابولقاسم عظیمی باشدا اولماقلا ملی حکومتین ۲۶ زابطی اعدام اولونموشدور.

ژنرال عظیمی حیاتیین سون گونلرینه قدر اوز مقدس مرامینا صادق قالاراق، تهران جلالدارینا بویون ایمه دی. عظیمی خلق اوردوسونون ژنرالی کیمی ووروشدو، خلق حرکاتینین زابطی کیمی ده مردلیکله اولومه سینه گردی، او، ارتجا جلالدارینین صف چکیب آتش فرمانینا حاضر دورماسی دا اونون مردانه ووقارینی یوزا بیلمه دی.

عظیمی اولوم قارشیسیندا دایاندیغی وقت جلالدارا دنمیشدیر: "منیم اولومومله سیزین اساسی سارسیلمیش آغالیغی نیز محکمنه بیلمز!"

آذربایجان خلقینین آزادلیغی او غرودا شهید اولموش عظیمی کیمی قهرمانلارین انتقامینی آلماق بوتون آزادبوخلارین تنتنه لی آندی دیر. عظیمی اولمه میشدیر، چونکی اونون مرامی یاشاماقدیر، اونون اشتراک ائتدی حرکات بو گون ده داوام ائتمکده دیر.

وردونون عمومیتله کوتله لری ازمک واسطه سی اولدوغو اونون دقتینی جلب اندیر.

ایکینجی دنیا محاربه سی نتیجه سینده دنیا مقیاسیندا باش وئرلمیش دییشیکلیکلر، فاشیزمین دارماداغین اندیلمه سی، خصوصیه ایران خلقرینین آزادلیق حرکاتینین ازمینین ده گوجلنه سینه تکان وئرلمیشدیر.

ابولقاسم عظیمی عدالتسزلییه قارشی مبارزه آپارماق اوچون ۱۹۴۳ - جو ایله (ه.ش. ۱۳۲۲) ایران خلق پارتیاسینین سیرالارینا قوشولموش، ارتجایا و امپریالیزمه قارشی مبارزه نین گنیشلمه سینه چالیشمیشدیر.

۱۹۴۵ - جی ایلین (ه.ش. ۱۳۲۴) سنتیابر آییندا آذربایجاندا گوجلنه نا انقلابی حرکات ایران خلق پارتیاسی حربیده اولان دمکراتیک فکری بیر قروپ زابطلرینی آذربایجان ملی حکومتینه یاردیم ائتمک اوچون تبریزه گؤندریله نلر سیراسیندا سرهنگ ابولقاسم عظیمی ده وار ایدی، او، ماراغا ولایتینده، میانداب، سایینقلا و باشقا محالاردا فدائی دسته لرینین حربی حاضرلیغینا کومک ائتمیشدیر. همین محالارین آزاد اندیلمه سینده بیر فدائی باشچیسی کیمی فعال اشتراک ائتمیشدیر.

شانلی ۲۱ آذر حرکاتینین غلبه سیندن سونرا عظیمی نین خدمتلی، فدائیلر آراسیندا قازاندیغی نفوذو و حربی لیاقتینی نظره آلبناراق آذربایجان ملی مجلسی طرفیندن "۲۱ آذر" مدالی ایله تلتیف اندیلمیش و اونا ژنرال روتبه سی وئرلمیشدیر. ابولقاسم عظیمی آذربایجان ملی حکومتین عالی حربی شوراسینین عضو و ساقیز جبهه سینین فرماندهی ایدی. اونو دا قید ائتمک لازیمدیر کی، عظیمی هله ایران اوردوسوندا خدمت اندرکن تهراندا حربی آکادمیانی ("دانشگاه جنگ") بیتیرمیشدیر.

ژنرال عظیمی آذربایجان ملی حکومتین گؤستریشی ایله ۱۹۴۶ - جی ایله تبریز شهرینده آچیلان حربی مکتبین

حسین قوپال



آذربایجان خلقی اولکه نین استقلاللی و آزادلیغی اوغروندا موجود قورولوشا قارشی اله سلاح آلدیقا همیشه ایران خلقرینین رغبتیه آقیشلانمیشدیر. ۲۱ آذر حرکاتیندا بو تاریخی عنعه خلقر دوستلر غونون تنتنه سی شکلینده داها محکمنمیشدیر. ایران اراضیسینده یاشایان بیر چوخ خلقرین

قالخاماسی، بوتون ایراندا آزادلیق حرکتین مبارزه سی، زیندان قاپیلارینین آچیلماسی ایله نتیجه لندی قوپالدا شاهنشاه اوردوسونون مقام و درجه سینی رد اندرک اؤز مسلک یولداسلاری ایله بیرلیکده آذربایجانا گلدی. آذربایجان سرحد منطقه سینده بیرینجی فدائی پوستونا رهبرلیک ائتدی. او، آذربایجان خلق قوشونلاری سیراسینا داخل اولاراق آزادلیق سنگرلرینین مدافعه سی اوچون کؤنوللو صورته ماراغا با گئندی و بیر حیسبه نین فرماندهلی یینی، سیملی و سیمسبز علاقه لرین تشکیلی اؤز اؤده سینده گؤتوردو. او، بؤیوک هوسله خلق ایشینه خدمت ایدیردی. قوپال هر شئیدن آرتیق عسگرلرین انقلابی تربیه سینه، اونلارین دؤیوش باجاریغینین یوکسلمه سینه اهمیت وئریردی. او، عسگرلره فعال انقلابچی فرد کیمی باخیر. اؤز ایشینده گؤستریدی لیاقته، خلق حرکتینا نسیبت سداقت و فعالیتنه گوره حسین قوپال آذربایجان ملی مجلسی طرفینده سولتانیق درجه سی ایله تلتیف اولونور.

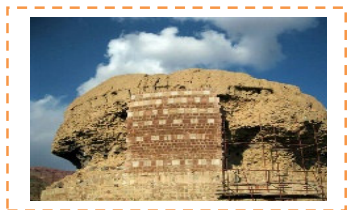
شاهنشاه اوردوسو امپریالیستلرین کمکی ایله آذربایجانا خایجه سینه باسقین ائتدی زامان حسین قوپال دا دربار جلادلاری طرفیندن گوله لندی. قوپال آذربایجانلی یولداسلاری ایله بیرلیکده خلق سعادت اوغروندا چالیشدی. نهایت، اؤز جانینی دا آذربایجانلی یولداسلاری ایله بیرلیکده بو یولدا قوربان وئردی.

آذربایجان خلقی اونون فداکارلیغینی هنج وقت یاددان چیخارمایاقدیر. اصفهان فحله طبقه سینین مبارز اوغونون آذربایجانلی قارداشلاری ایله بیرلیکده بیر سنگرده سلطنت رژیمینه قارشی مبارزه ده شهید اولماسی ایران خلقلرینین مبارزه تاریخینده خلقلر دوستلارونون تئنته سی کیمی قید اولوناقدیر.

نماینده لری بو حرکتدا اشتراک ائتمیشدیر. اصفهان فحله طبقه سینین مبارز اوغلو حسین قوپال دا بو حرکتین اشتراکچیلاریندان بیریدیر.

۱۳۰۳ - جو شمسی ایلینده (۱۹۲۴) اصفهاندا آنادان اولموش حسین هله لاپ گنج یاشلاریندا آتاسی وفات ائتدی اوچون آغیر حیات شرایطینین و محرومیتین نه اولدوغونو باشا دوشموش، بوتون بو چتینلیکلره باخماباراق، او، آناسینین زحمتی حصابینا ابتدای مکتبی بیتیریر، سونرا ایسه اورتا حربی مکتبی قورتاریر. نهایت، تهرانین حربی زابطلیک مکتبینه داخل اولموشدور. حسین قوپال هله اورتا مکتبه اوخیارکن رضا خان دیکتاتورلوغو بیخیلمیش و بنله لیکله، آزادلیق حرکتینین انکشافی اوچون رئال امکاملار یارانمیشدی. ایران خلق پارتیاسینین یارانماسی ایله بو حرکت موتشکلکله ره رک ارتجا اوردوسونون زابطلرینه ، عسگرلرینه ده آزادلیق یولونون دوغرو اولدوغونو گؤستریمیش حسین قوپال دا ایران خاق پارتیاسینین عضو اولماقلا بو حرکتا قوشولموشدو. ۱۳۲۴ - جو ایله (۱۹۴۵) حربی زابطلیک مکتبینی لیتنانتلیق درجه سیله قورتاران قوپال آلتی ایللیق کورسو دا بیتیردیکدن سونرا ، اصفهاندا حربی تقرافچیلیق ایشلرینده خدمته داخل اولور. حسین قوپال ایران خلقلرینین حقیقی آزادلیق و استقلالینا خدمت ائتمی شاهین و مرتجع طبقه نین منافی اوغروندا قوللوق اتمکدن اوستون توتدوغو اوچون باش قرارگاهین قراری ایله حبس ائدیلمیش، کیرمان زندانینا گونده ریلیر. لاکن نه تعقیب، نه ده حبسلر جوان قوپالین مبارزه ازیمینی قیرا بیلمدی. او، کئرممان زندانیندا اؤز مسلک یولداسلاری ایله بیرلیکده موتشکیل مبارزه سینی داوام ائتدیریردی. بو زامان آذربایجاندا حرکتین یوکسک سویه یه

ربع رشیدی، دانشگاهی با قدمت ۷۰۰ ساله!!



ربع رشیدی یکی از بناهای تاریخی و ارزشمند شهر تبریز واقع در باغمیته به سبک معماری آذربایجانی است. حدود ۷۰۰ سال پیش در تبریز، دانشگاهی به نام رشید الدین فضل

گرجستان، ولایت روم، آذربایجان و سوریه وقف این مرکز کرد.

خواجه فضل الله همدانی که پیش از حمله مغول در قلعه های اسماعلیه زندگی می کرد و پس از آن مدتی به وزارت غازان خان رسیده و منشا خدمات فراوانی در غرب ایرانو آذربایجان شد در سال ۷۱۸ هجری قمری، با دسیسه های سیاسی کشته شد و ربع رشیدی هم پس از مرگ وی غارت و ویران شد. هم اکنون آثار ناچیزی از آن در تبریز باقی مانده است.

شاردن جهانگرد نامی فرانسوی که در سال ۱۰۸۴ هجری قمری به ایران سفر کرده بود آورده است: صد سال پیش شاه عباس کبیر دستور به تعمیر آن داد ولی شاهان دیگر صفوی توجهی بدان نکردند و دوباره ویران شد.

وقفنامه ربع رشیدی

وی برای ساماندهی املاک وقفی و وقفنامه ای را تدوین کرده بود که به وقف نامه ربع رشیدی معروف است و هم اکنون تنها یک نسخه از آن باقی است که در کتابخانه مرکزی تبریز قرار دارد. این نسخه تا سال ۱۳۴۸ در دست بازماندگان حاجی ذکاءالدوله سراجمیر، ساکن تبریز بود. انجمن آثار ملی در همان سال آن را از خانواده ذکاءالدوله خرید.

وقف نامه ربع رشیدی در خرداد ماه ۱۳۸۶ از سوی سازمان کتابخانه ملی ایران به یونسکو معرفی شد و در نشست که از ۲۱ تا ۲۵ خرداد در یونسکو برگزار شد، به همراه شاهنامه بایسنقری در فهرست میراث مستند این سازمان به ثبت رسید. در نشست کمیسیون ملی یونسکو، سی و هشت اثر از کشورهای جهان در فهرست آثار مستند یونسکو ثبت شد.

تعداد آثاری که از سال ۱۹۹۷ تاکنون در این فهرست به ثبت رسیده است، به ۱۵۸ اثر افزایش یافته است

الله همدانی ایجاد شد. رشیدالدین وزیر غازان خان از حکمرانان وقت آن دیار بود. در آن زمان این دانشگاه شامل چهار دانشکده بود که در چهار طرف آن قرار داشت و اربع یا چهار عربی را به خود اختصاص داد و این مکان به نام ربع رشیدی شهرت یافت.

این مجموعه که در دامنه کوه سرخاب در محلی با صفا و بلند جای گرفته است، در اوایل قرن هشتم و یا اواخر قرن هفتم هجری بنا شد. برابر با نوشته تاریخ نگاران و جهانگردان بزرگ دارای پهناوری بسیار و ساختمان های گوناگون همچون مسجد و مدرسه و بیمارستان (دارالشفا) و کتابخانه و گنبدی برای آرامگاه خواجه رشیدالدین بوده است. این بنا مانند بیشتر شهرهای کهن دارای حصار و بارویی بزرگ بوده است. از مضمون نامه ای که خود خواجه رشیدالدین فضل الله به دو پسرش درباره ساختمان این بنا نوشته چنین برداشت می شود که در آن زمان ربع رشیدی در جایگاه دانشگاهی بوده که از هر دانشی در آنجا شعبه ای راه اندازی شده بود و شش هزار تن دانشجو در آن تحصیل می کرده اند و خواجه اوقافی برای تکمیل کتابخانه و مدرسه و نشر کتب و تأمین هزینه زندگی و تحصیل طلاب علوم مختلف اختصاص داده بود و دانشمندان بزرگ از هر گوشه گرد آورده و بکار تألیف و تدریس گماشته و مقرری آبرومندی برای آنان تعیین کرده بوده است و از آن میان پنجاه پزشک و چندین جراح از هند و مصر و چین و شام در آنجا مشغول به کار بوده اند.

پیشینه ربع رشیدی

ربع رشیدی شهری کوچک بود شامل کتابخانه، مدرسه، مسجد، دارالایتم، حمام، مهمانسرا، بیمارستان، مدارس عالی و کارگاه های صنعتی.

فضل الله همدانی برای تأمین هزینه های این مرکز املاک فراوانی را در نقاط مختلف اعم از ممالک محروصه قدیم (ایران کنونی)، بخش هایی از عراق، افغانستان،